

مدارس شهر یزد در روزگار آل کاکویه و اتابکان: بازشناسی معماری و فهم ماهیت مدارس بر پایه گزارش‌های تاریخی و شواهد محیطی

ذات‌الله نیک‌زاد*

مجتبی مهرعلی کردبچه**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

با تشکیل فرمانروایی کاکویان در منطقه یزد، شهر یزد که پیش از آن به «کنه» معروف بود، رونق یافت و حیات تازه‌ای را آغاز کرد که بر نحوه توسعه و سرنوشت آینده شهر مؤثر بود. در زمان کاکویان، آبادانی شهر و روستاهای تابع آن از سر گرفته شد. «مدرسه» یکی از گونه‌بناهای شاخصی است که مورخان تواریخ یزد به برپایی آن‌ها در این دوره اشاره کرده‌اند. اتابکان دنباله کار کاکویان را گرفتند و علاوه بر ایجاد بناها و توسعه زیرساخت‌های شهری، مدارس هم ساختند. کاکویان و اتابکان چند مدرسه و کجا و با چه هدفی و با چه ویژگی‌های کالبدی و کارکردی‌ای ساختند؟ این‌ها پرسش‌های پژوهش‌اند. هدف از پژوهش، پیگیری چستی و کارکرد این مدارس و ویژگی‌های معماری است. روش پژوهش «تاریخی تحلیلی» است و داده‌ها با استناد به گزارش‌های تاریخی و شواهد معماری و شهری فراهم آمده است. براساس جست‌وجوهای انجام‌شده، نه مدرسه در سده‌های پنجم تا هشتم هجری در یزد برپا شدند که بانی آن‌ها امرای کاکویی و اتابک یا نزدیکانشان بودند. برخی از این مدرسه‌ها در داخل حصار (محلّه شهرستان) و برخی بیرون حصار یا متصل به دروازه‌ها بنا شدند. کارکرد اصلی این مدارس بیشتر آرامگاهی است و از وجه آموزشی این بناها آگاهی روشنی در دست نیست. این‌گونه بناها آن قدر اهمیت داشتند که با گنبد شاخص و سردر بلند، گاه با دو منار، ساخته می‌شدند و در منظره شهری چشمگیر بودند. بیشتر مدارس یادشده از بین رفته‌اند و درباره وجود آثاری از آن‌ها، مانند مدرسه سلطان قطب‌الدین، می‌توان حدس‌هایی زد. مدارس این دوره را می‌توان نیای مدارس سده‌های بعدی، به‌ویژه مدارس مظفریان و تیموریان، به حساب آورد.

کلیدواژه‌ها:

مدرسه، تحلیل معماری، آل کاکویه، اتابکان، یزد.

* استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، نویسنده مسئول، z.nikzad@richt.ir
** کارشناس ارشد، مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی

پرسش‌های پژوهش

۱. در سده‌های پنجم تا هشتم هجری چه مدرسی در یزد ساخته شدند و از نظر معماری چه ویژگی‌هایی داشتند؟
۲. هدف از ساخت مدارس چه بوده و چه کارکردی داشته‌اند؟

مقدمه

مطابق فهرست‌نامه آثار ملی ایران، مدارس تاریخی که در یزد شناسایی و به ثبت رسیده‌اند، بیشتر دیرینگی صفوی تا پهلوی دارند و شمار کمی از مدارس روزگاران پیشین به جا مانده است. هرچند تواریخ یزد از مدارس سده‌های پنجم تا هشتم هجری بسیار یاد کرده‌اند، شواهد معماری موجود ناکافی و مبهم است. ابهام درباره مدرسی که به دست حاکمان کاکویی و اتابکان ساخته شد، نسبت به مدارس سده‌های بعدی، بیشتر است. پژوهشگرانی مانند ایرج افشار که درباره آثار معماری و تاریخ یزد کار کرده‌اند، متوجه این دشواری شده‌اند.

هدف از این پژوهش، شناخت مدرسه‌هایی است که در روزگار دو حکومت مهم محلی یزد در این شهر ساخته شدند. این موضوع از این نظر با اهمیت پنداشته شده است که ریشه‌های مدارس تاریخی یزد را می‌توان در این دوران پیگیری کرد. یافتن چپستی و ویژگی‌های کالبدی مدارس نخستین، زمینه شناخت جامعی را فراهم می‌کند. انطباق مستندات متنی تاریخی با برخی از شواهد و آثار موجود دشوار است؛ باوجود این، تحلیل همین مستندات و شواهد اندک می‌تواند تا حدی از ابهامات موجود بکاهد.

۱. پیشینه پژوهش

طی صد سال اخیر، در میان آثار دانشوران حوزه‌های مختلف، مدارس یزد هم به چشم می‌آید. عبدالحسین آیتی در تاریخ یزد با استناد به متون تاریخی و شواهد موجود در دهه ۱۳۱۰ ش، به برخی مدارس اشاره کرده است (آیتی ۱۳۱۷). ایرج افشار در یادگارهای یزد، مدارس یزد را با استناد به تواریخ محلی یزد مطالعه و گزارشی از وضع موجود آن‌ها در دهه ۱۳۴۰ ش را ارائه کرده است (افشار ۱۳۵۲، ج. ۲). مدارس یزد بنا به موضوع و به‌طور پراکنده در آثار تحقیقی دانشوران تاریخ معماری ایران، عمدتاً تاریخ‌های جامع معماری، یافت می‌شود (ویلبر ۱۳۶۵؛ هیلن براند ۱۳۸۰؛ پوپ و آکرمن ۱۳۸۷؛ Blair and Blum 1994). در معماری دوره آل مظفر، فصلی به بناهای روزگار کاکویان و اتابکان، از جمله مدارس پرداخته شده است (خادم‌زاده، علومی، و الوندیان ۱۳۸۷). شیلا بلر در کتاب نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین ضمن بررسی کتیبه دروازه حظیره یزد، به احداث کاکویان از جمله مدارس کیانرسو و کياشجاع هم پرداخته است. ایشان به‌طور کلی و به‌اجمال، به جنبه‌های آموزشی مدارس کاکویان اشاره کرده‌اند. بلر معتقد است که مدارس یادشده در شمار نخستین مدرسه‌های ایران جای دارند (بلر ۱۳۹۴، ۱۷۹). فاطمه دانش‌یزدی نتیجه یافته‌هایش درباره مدارس و کتابخانه‌های سده هشتم هجری یزد را در وبگاهی منتشر، و فهرستی از مدارس و کارکردهای آن‌ها را ذکر کرده است (دانش‌یزدی ۱۳۹۲). امامی میبیدی مدارس دوره آل مظفر و تیموری یزد را بررسی کرده و به مشخصه‌های معماری و کارکرد آن‌ها با استناد به متون تاریخی پرداخته است (امامی میبیدی ۱۴۰۱). برخی از پژوهشگران هم موضوع تحقیقشان تک‌نگاری بعضی از مدارس یزد بوده است؛ مانند مدرسه امام خمینی یا شاهزاده (حاجی قاسمی ۱۳۷۶)؛ مجموعه دولت‌خانه اتابک قطب‌الدین (عینی‌فر و خادم‌زاده ۱۳۹۰)، مدرسه و مصلاهی یزد (کاظمی ۱۳۹۰)، مدرسه ضیائیه یا زندان اسکندر (مهرعلی و نیک‌زاد ۱۳۹۶)، مدرسه رکنیه (شهابی‌نژاد ۱۴۰۰)؛ نیک‌زاد ۱۴۰۱؛ میرزایی و میرزایی ۱۴۰۱).

۲. روش پژوهش

از آنجاکه که موضوع پژوهش و مصادیق برآمده از آن، که شامل مدرسی از سده‌های پنجم تا هشتم هجری است،

عمده اطلاعات این تحقیق و شناخت مصادیق و نمونه‌های آن از طریق پژوهش‌های تاریخی، با تکیه بر میراث مکتوب و خصوصاً تواریخ محلی یزد به دست آمده است. به سبب ابهامات و نقایص گزارش‌های تاریخی و فقر شواهد معماری، ارائه تصویری روشن از مدرسه‌ها با اتکال به روش پژوهش «تاریخی تحلیلی» ممکن خواهد شد. در این راه ابتدا گزارش‌های تاریخی از منابع گوناگون احصا شد. عمده یافته‌های متنی که اشاره به مدارس یا مسایل مربوط به آن‌ها داشته، از تواریخ منطقه یزد به دست آمد؛ سپس طبقه‌بندی داده‌ها در ذیل دوره زمانی و آثار معماری مدارس به انجام رسید. شرحی تفصیلی از آثار شناسایی شده، با توجه به اطلاع به دست آمده، همراه با جداول تکمیلی به دست داده شد. تحلیل معماری و فهم کارکرد مدارس با وارد کردن دیگر اشارات تاریخی، استنباط‌های منطقی و مطابقت با آثار معماری و مدارس مناطق دیگر هم‌دوره صورت گرفته است. همچنین، بازخوانی شواهد معماری و محیطی که پس از گذشت سده‌ها در یزد به جا مانده، از راه پژوهش میدانی و اسناد فنی معتبر جست‌وجو صورت گرفته و با یافته‌های متنی انطباق یافته است.

۳. یافته‌های پژوهش بر پایه گزارش‌های تاریخی

بیشترین آگاهی از مدارس روزگار کاکوییان و اتابکان یزد، از خلال تاریخ‌نامه‌های محلی^۱ این منطقه به دست می‌آید که در سده نهم و یازدهم هجری نوشته شده‌اند. از آنجاکه نویسندگانی که اشاره‌ای به نام یا ویژگی این بناها داشتند، اهل یزد بوده و این آثار را به چشم دیده بودند، بر اعتبار نوشته‌هایشان افزوده می‌شود. در ادامه، شرح مدارس با استناد به تاریخ‌نامه‌ها و تأکید بر ویژگی‌های معماری آن‌ها ارائه می‌شود.

۳.۱. مدارس یزد در روزگار کاکوییان (حک ۳۶۴۳-۵۳۶ق)

ظهیرالدین ابومنصور فرامرز، نخستین حاکم کاکویی یزد، پس از آنکه اصفهان را به طغرل سلجوقی واگذاشت و یزد و ابرق را به اقطاع گرفت، همراه با سپاهیان دیلمی و چهار تن از سرهنگان خود رهسپار یزد شد و حدود یک سده خودش و اخلافش بر یزد تسلط داشتند و برای آبادانی یزد تلاش کردند و سرانجام در اواسط حکومت سنجر سلجوقی منقرض شدند (جعفری ۱۳۴۳، ۳۵؛ اقبال ۱۳۳۸، ۸۳؛ سجادی و آل داوود ۱۳۹۹؛ افشار «تعلیقات تاریخ یزد»؛ Bosworth 2010). مورخان محلی یزد به چهار مدرسه اشاره کرده‌اند که بانیان آن‌ها حاکمان کاکویی یزد و اطرافیانسان بودند (جدول ۱).

۳.۱.۱. مدرسه دومناره

جعفری و کاتب بانی مدرسه دومناره را به ترتیب «علاءالدوله گرشاسب» و «ابوجعفر علاءالدوله کالنجار» نوشته‌اند (جعفری ۱۳۴۳، ۳۷؛ کاتب ۲۵۳۷، ۵۸). علاءالدوله امیرعلی بن فرامرز همسر ارسلان‌خاتون و پسر ابومنصور فرامرز بود و احتمالاً علاءالدوله ابوکالیجار گرشاسب بن علاءالدوله امیرعلی ملقب به گرشاسب ثانی، هم یکی دیگر از پسران ابومنصور فرامرز بود. با توجه به تاریخ ساخت بنا در ۵۱۳ق یا ۵۱۷ق ظاهراً مقصود از بانی بنای مدرسه دومنار گرشاسب ثانی است. به هر روی، ابتدا علاءالدوله و سپس همسرش ارسلان‌خاتون را در این مدرسه دفن کردند (کاتب ۲۵۳۷، ۶۰). مدرسه دومنار را در «محلّه شهرستان» و «متقارب قدمگاه امام رضا» ساختند که تا میانه‌های سده نهم هجری برپا بود (جعفری ۱۳۴۳، ۳۷؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۶). با اینکه حدود سده یازدهم هجری خرابی‌هایی بر این مدرسه وارد شده بود، همچنان برجای بود (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۷۳۶).

۳.۱.۲. مدرسه فخرجلاد

بانی مدرسه فخرجلاد یا سرریگ «کیانرسو»، یکی از سرهنگان و همراهان ابومنصور فرامرز بود (جعفری ۱۳۴۳، ۳۶؛ کاتب ۲۵۳۷، ۵۸؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۷۳۶-۷۳۷). مدرسه فخرجلاد را به قصد مقبره و به قول جعفری با «گنبدی عالی» ساختند. این مدرسه در ۵۱۷ق، تقریباً هم‌زمان با مدرسه دومنار برپا شد. به تأیید بافقی، تا سده یازدهم هجری ردّ آثاری از آن «در نهایت خرابی» مانده بود (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۷۷؛ همان، ج. ۳: ۷۳۶-۷۳۷). مدرسه فخرجلاد در محلّه سرریگ، حوالی دروازه مهریچرد و بیرون حصار شهر قرار داشت.

۳.۱.۳. مدرسه کباشجاع

کیا شجاع‌الدین برادر کیانرسو بود. او «جنب» مدرسه‌ای که برادرش ساخته بود، مدرسه‌ای را بنا کرد. با این وصف محله سرریگ در اوایل سده ششم هجری دو مدرسه داشت: کیانرسو و کباشجاع. ظاهراً در حدود ۸۶۲ (زمان تألیف کتاب تاریخ جدید یزد) وضع بنای مدرسه کباشجاع خوب نبوده است: «و از آن آثار محو گشته مگر نصفی دیوار گنبدخانه‌اش باقی مانده». با استناد به آخرین تاریخ مضبوط در تاریخ یزد (یعنی ۸۴۴) معلوم می‌شود که جعفری پیش از به قول ایرج افشار «قحطی و تنگی» سال ۸۵۸ و سیل ۸۶۰ وقایع را ثبت کرده و از آنجاکه کاتب حوادث یزد را تا ۸۶۲ ضبط کرده است،^۲ می‌توانیم چنین برداشت کنیم که بعد از سیل ۸۶۰ به محله سرریگ و به دنبال آن مدرسه کباشجاع آسیب‌هایی اساسی وارد شد. خرابی‌های مدرسه کباشجاع تا اواخر سده یازدهم هجری ادامه یافته تا اینکه «و الحال به غیر از یک گنبد که نصف طاق آن منهدم گشته دیگر اثری از آن پیدا نیست». بنابراین دست‌کم تا اواخر سده یازدهم بخشی از طاق مدرسه برپا بوده و باقی وجود چنین مدرسه‌ای را بعد از گذشت بیش از پانصد سال تأیید کرده است (جعفری ۱۳۴۳، ۳۶؛ کاتب ۲۵۳۷، ۵۹؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۷۳۶).

۴.۱.۳. مدرسه عطاخانی یا مدرسه آتاخانیه

گرشاسب ثانی و عطاخاتون فرزندان امیرعلی بن فرامرز (دومین حاکم کاکویی یزد) و ارسلان خاتون بودند. عطاخاتون را به عقد محمود بن ملک‌شاه سلجوقی درآوردند و از این پیوند علاءالدوله عطاخان (آتاخان) به دنیا آمد. بعد از وفات ملک‌شاه، علاءالدوله عطاخان و مادرش از اصفهان به یزد بازگشتند. اواخر سده ششم یا اوایل سده پنجم هجری، عطاخان در نزدیکی مدرسه دومناره واقع در محله شهرستان، که دایی‌اش (گرشاسب ثانی) احداث کرده بود، مدرسه‌ای ساخت. این مدرسه ظاهراً در اواخر سده پنجم یا اوایل سده ششم هجری احداث شد و بنا به قول کاتب، در سده نهم به «زندان شریعت» مشهور بود (کاتب ۲۵۳۷، ۵۹-۶۱).

شاید مدرسه «آتاخانیه» مذکور در جامع‌الخیرات که محاذات باغ جمال‌الدوله قرار داشته (حسینی یزدی ۱۳۴۱، ۶۵) و مدرسه «آتاخان» یادشده در تاریخ یزد (جعفری ۱۳۴۳، ۴۰) همین مدرسه باشد. مدرسه عطاخان دست‌کم تا ۸۶۲ دایر بود (کاتب ۲۵۳۷، ۵۹-۶۱)، اما در اواخر سده یازدهم هجری «روبه‌خرابی» رفت (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۱-۸۰).

جدول ۱: مدارس کاکوییان یزد

نام مدرسه	تاریخ ساخت	بانی	موضع	معماری (عناصر کالبدی)	وضع بنا در سده نهم	وضع بنا در سده یازدهم
دومناره	۵۱۳ق / ۵۱۷ق	ابوجعفر علاءالدوله کالنجار	محله شهرستان	ساختمان مدرسه، درگاه با دو منار بلند، گنبدخانه	برپاست	مدرسه روبه‌خرابی نهاده است.
کیانرسو / فخر جلال	نیمه نخست سده ششم هجری (۵۱۷ق)	کیانرسو	محله سرریگ	ساختمان مدرسه، گنبدخانه	خرابی در او راه یافته است.	در نهایت خرابی، آثاری از آن نمانده است.
کباشجاع‌الدین	نیمه نخست سده ششم هجری	کباشجاع‌الدین (برادر کیانرسو)	محله سرریگ	ساختمان مدرسه، گنبدخانه	آثار آن محو گشته، مگر اثری از مدرسه نیست، نیمی از دیوار گنبدخانه.	مگر نیمی از طاق گنبدخانه.
عطاخان / زندان شریعت	نیمه دوم سده ششم هجری؟	علاءالدوله عطاخان (آتاخان)	محله شهرستان	ساختمان مدرسه، درگاهی با دو منار، گنبدخانه	موجود است.	موجود اما روبه‌خرابی است.

۳.۲. مدارس یزد در روزگار اتابکان (حک ۵۳۶ تا ۷۱۸ ق)

اتابکان یزد سلسله‌ای از فرمانروایان محلی ایران بودند و شاخه‌ای از آن‌ها جانشین کاکوییان یزد شدند که بر یزد و مناطق اطراف آن مسلط بودند و سرانجام به‌دست مبارزالدین محمد، بنیان‌گذار حکومت آل مظفر، از میان رفتند (جعفری

۱۳۴۳، ۳۹-۴۰؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۳؛ اقبال ۱۳۳۸، ۴۰۲؛ افضلی ۱۳۹۱؛ آل داوود ۱۳۹۹). مطابق نوشته‌های مورخان محلی یزد، اتابکان پنج مدرسه در شهر یزد ساختند (جدول ۲).

۳. ۲. ۱. مدرسه اتابک

رکن‌الدین سام در ۵۹۰ هجری این مدرسه را ساخت. مدرسه اتابک مانند مدارس کیانرسو و کیشاجاع اطراف دروازه مهریچرد و بیرون حصار یزد سده ششم هجری با «گنبدخانه معظم» برپا شد (جعفری ۱۳۴۳، ۴۰؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۴-۶۵؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۴). در جریان توسعه مبارزالدین محمد در سده هشتم هجری، مدرسه اتابک داخل حصار یزد شد (جعفری ۱۳۴۳، ۵۰). مدرسه اتابک در میانه‌های سده نهم هجری موجود بود: «و اثر مدرسه باقی است. و گنبدخانه قائم است و مردم در آن گنبدخانه روند مثل مؤذنان و قاریان و آواز گردانند» (کاتب ۲۵۳۷، ۶۴)؛ اما در اواخر سده یازدهم هجری ساختمان مدرسه آسیب دید و ظاهراً گنبدخانه برجا بود: «[...] آن مدرسه خراب شده و گنبدخانه قائم است» (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۴-۸۳؛ همان، ج. ۳: ۷۳۶).

۳. ۲. ۲. مدرسه وردانروز

رکن‌الدین سام حاکمی نرم‌خو بود، اما در حکومت‌داری موفق نبود؛ به همین سبب در اواخر عمر، امرای یزد برادرش عزالدین لنگر را بر جایش نشانند. عزالدین لنگر چهار پسر داشت و یکی از پسرانش وردانروز یا وردانزور نام داشت. او در ۶۱۵ هجری «اندرون شهر» و در میان بازاری مشهور به بازار دلانان یزد مدرسه‌ای ساخت. عزالدین لنگر برای خودش مدرسه مستقلی نداشت. جعفری از مدرسه عزالدین لنگر صحبت نکرده است. هرچند کاتب اشاره‌ای مبهم به مدرسه عزالدین لنگر می‌کند: «و عزالدین لنگر در سنه اربع ست‌مائه وفات کرد و او را در مدرسه خودش دفن کردند»، با کنار هم نشانیدن مستندات می‌توان نتیجه گرفت که عزالدین لنگر و وردانروز و محی‌الدین سام هر سه در مدرسه وردانروز دفن شدند (جعفری ۱۳۴۳، ۳۹-۴۰؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۴-۶۵ و ۶۷). بافقی هم این مطلب را تأیید می‌کند. مدرسه وردانروز در میانه‌های سده نهم هجری برپا بود، اما در سده یازدهم آثار خرابی به بنای مدرسه راه یافته بود (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۵-۸۶).

۳. ۲. ۳. مدرسه معزالدین کیکاووس

این مدرسه را معزالدین کیکاووس، یکی دیگر از پسران عزالدین لنگر تقریباً هم‌زمان با مدرسه وردانروز در ۶۱۰ هجری ساخت. موقعیت مکانی آن هم مانند مدرسه وردانروز در میان شهر و در بازاری مشهور به «سلطان ابراهیم» بود. این مدرسه در میانه‌های سده نهم هجری آسیب‌های اساسی دیده (کاتب ۲۵۳۷، ۶۵) و در اواخر سده یازدهم هیچ ردی از آن باقی نمانده بود (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۵).

۳. ۲. ۴. مدرسه سلطان قطب‌الدین

بعد از وردانروز سلطان قطب‌الدین ابومنصور اسفہسالار، یکی دیگر از پسران عزالدین لنگر، به اتابکی رسید. قطب‌الدین حاکمی کاردان و دادگر بود و با درویشان و دانشمندان به نیکی رفتار می‌کرد. قطب‌الدین در آبادانی یزد کوشید و حصار شهر در روزگار او بزرگ‌تر شد و بناهایی نظیر قدمگاه امام رضاع را ساخت. قطب‌الدین مانند اسلافش مدرسه‌ای در یزد ساخت که گنبدخانه‌ای برای مدفنش داشت. این مدرسه در اوایل سده ششم هجری، تقریباً هم‌دوره با مدارس وردانروز و معزالدین کیکاووس، و در داخل شهر و اطراف دولت‌خانه و خانه قطب‌الدین برپا شد (جعفری ۱۳۴۳، ۴۱-۴۲؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۵). بافقی علاوه بر مطالب جعفری و کاتب نکته دیگری هم گفته است: «[...] املاک و رقبات بسیار بر آن مدرسه وقف فرمود. اکنون آن مدرسه روبه‌خرابی نهاده [...].» مدرسه سلطان قطب‌الدین در میانه‌های سده نهم هجری صحیح و سالم بود؛ اما گزارش‌هایی از خرابی بنای این مدرسه در سده یازدهم هجری در دست است (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۶-۸۸).

۳. ۲. ۵. مدرسه محمودشاهیه یا مدرسه صفوتیه

قطب‌الدین محمودشاه پس از پدرش قطب‌الدین ابومنصور اتابکی یافت. جعفری از مدرسه‌ای که محمودشاه «جهت مدفن خود» ساخت یاد کرده است. کاتب نظر دیگری دارد: «به جهت او [حرم او] همسر محمودشاه» مدرسه نیکو

بنیاد کرد و بسیار مال بر آن خرج کرد». در حال، پنجمین اتابک یزد در ۶۳۷ هجری وفات کرد و او را در گنبدخانه مدرسه خودش دفن کردند؛ اما ساخت بنای مدرسه در زمان وفات او به اتمام نرسیده بود. همسر محمودشاه، صفوةالدین آدم یاقوت ترکان، ساخت بنای مدرسه محمودشاهیه را سه سال بعد از وفات محمودشاه در ۶۴۰ هجری به سرانجام رساند و به همین مناسبت این مدرسه به «صفوتیه» مشهور شد. صفوةالدین ده سال بعد یعنی در ۵۰ هجری از دنیا رفت و او را در همان مدرسه دفن کردند (جعفری ۱۳۴۳، ۴۰؛ کاتب، ۲۵۳۷، ۶۸ و ۶۹؛ مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۹). اتابک یوسف شاه، آخرین اتابک یزد، مدرسه جدش را تعمیر کرد و منار دوقفصه بساخت و گنبد را کاشی سبز کرد (جعفری ۱۳۴۳، ۱۰۵).

جدول ۲: مدارس اتابکان یزد

نام مدرسه	تاریخ ساخت	بانی	موضع	فضاها و عناصر معماری	وضع بنا در سده ۹ هجری	وضع بنا در سده ۱۱ هجری
اتابک	پیش از ۵۹۰ هجری	رکن‌الدین سام بن لنگر	بیرون دروازه مهریچرد	ساختمان مدرسه، گنبدخانه.	آثار مدرسه باقی و گنبدخانه برپاست.	مدرسه خراب شده و گنبدخانه برپاست.
وردانروز	پیش از ۶۰۴ هجری	وردانروز پسر عزالدین لنگر	اندرون شهر میان بازار	ساختمان مدرسه، درگاه با دو منار، گنبدخانه.	آثار مدرسه باقی است.	عمارت برجاست، اما روبه‌خرابی دارد.
معزالدین کیکاووس	پیش از ۶۱۰ هجری	معزالدین کیکاووس پسر عزالدین لنگر	میان شهر در شارع بازار سلطان ابراهیم	ساختمان مدرسه، گنبدخانه؟	آثار اندکی از آن باقی است.	محو شده است.
سلطان قطب‌الدین	پیش از ۶۲۶ هجری	اسفہسالار ابومنصور مشهور به سلطان قطب‌الدین	میان شهر	ساختمان مدرسه، درگاه با دو منار، گنبدخانه.	آثار مدرسه باقی و گنبدخانه برپاست.	مدرسه روبه‌خرابی نهاده و گنبد برپاست.
محمودشاهیه یا صفوتیه	۶۴۰ هجری	محمودشاه پسر سلطان قطب‌الدین و صفوةالدین آدم یاقوت ترکان	محله باب‌الوساده	ساختمان مدرسه، درگاه با دو منار، گنبدخانه.	مدرسه موجود، اما روبه‌خرابی است.	تمام عمارت خراب گردیده است.

۴. تحلیل یافته‌ها با توجه به شواهد محیطی و مطالعه تطبیقی مدارس

برای فهم بیشتر مدارس به‌ویژه از دریچه معماری (مکان‌گزینی، ساختار فضایی، اندام‌ها و جزئیات بناها)، در ادامه، شرحی مبتنی بر تحلیل و استنباط منطقی که مستند به یافته‌های پژوهش است، داده می‌شود؛ همچنین شواهد محیطی و نمونه‌هایی که می‌تواند قابل تطبیق با مدارس یزد باشد، مطرح می‌شود.

۱.۴. مکان‌یابی

مورخان به موقعیت قرارگیری مدارس یادشده اشاره کرده‌اند. مدرسه دومنار در محله «شهرستان» و نزدیک قدمگاه امام رضا(ع) ساخته شد. بعدها در کنار این مدرسه مسجدی هم برپا شد (کاتب ۲۵۳۷، ۶۶؛ مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۷۳۶). محله شهرستان در سده پنجم داخل حصار و بارو بود. بخشی از محله شهرستان امروز به «فهادان» شهرت دارد و قدمگاه امام رضا(ع) در وضعیت کنونی در این محله قرار دارد. مدرسه عطاخان نیز در همین محله و نزدیک مدرسه دومنار، روبه‌روی باغ جمال‌الدوله ساخته شد (جدول ۳) (کاتب ۲۵۳۷، ۶۰؛ مستوفی باقی ۱۳۴۲، ۸۰-۸۱).

مدرسه فخرجلاد یا کیانرسو در محله سرریگ، پهلو چاه‌خانه آب سرد و بازار خواجه شمس‌الدین محمدطاهر قرار داشت (کاتب ۲۵۳۷، ۵۸؛ مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۷۳۷ و ۷۳۶). محله سرریگ، که امروز نیز به همین نام شناخته می‌شود، آن زمان در خارج شهر و جهت جنوبی و بیرون دروازه مهریچرد قرار داشت و بعدها در توسعه سده هشتم هجری به‌دست امیر مبارزالدین مظفری به محله‌های داخل حصار پیوست. چاه‌خانه و بازار به گمان از آثار جدیدتر از سده ششم هجری است (مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۱۶۴). مدرسه کیش‌جاع‌الدین هم کمی بعد و کنار مدرسه کیانرسو بنا شد (جعفری ۱۳۴۳، ۳۶؛ کاتب ۲۵۳۷، ۵۹). چند سده بعد میدان خواجه ضیاء‌الدین را جنب این مدرسه‌ها ساختند و روغن‌خانه‌ای هم متصل به میدان بود (جدول ۳) (مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۹۷، ۱۶۴، ۱۹۶؛ همان، ج. ۱ و ۲: ۷۸-۷۷).

مدرسه اتابک در خارج حصار شهر، نزدیک دروازه مهریچرد بنیان یافت (جدول ۳)؛ اما در سده هشتم هجری داخل شهر شد (جعفری ۱۳۴۳، ۴۰ و ۵۰؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۴؛ مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۴). امروز موضعی به نام دروازه

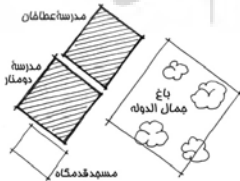
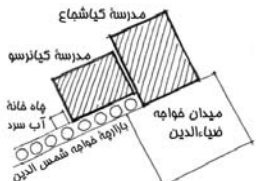
مهريز (مهريچرد) در محدوده بازارِ صدری و افشار با یک برج خشتی به جا مانده است که شاید همان دروازه مهريچرد باشد. نکته ديگر اينکه بازار جديد به فاصله پهنای خندق، پشت باروی جنوبي ساخته شد و بعدها توسعه يافت و حصار شهر هم پشت محله سرريگ را در بر گرفت. چند سده‌ای است که مدرسه محو شده و نامی از آن در میان نیست. فهم موضع دقيق آن دشوار است و احتمالاً در همان پهنه بازار باید به دنبال آن گشت.

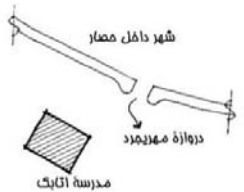
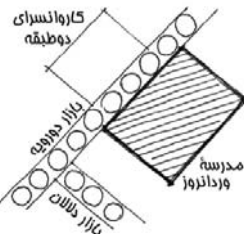
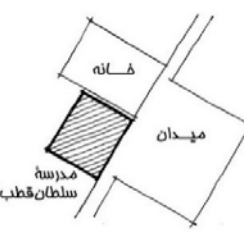
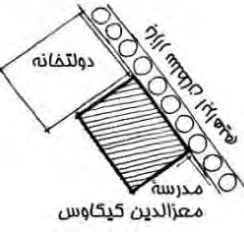
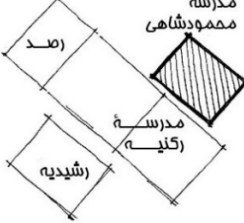
مدرسه وردانروز به همراه «بازاری دورويه [دارالبيع اول]»^۵ بر در آن و داخل شهر ساخته شد. «مقابل» این مدرسه هم کاروان‌سرای دوطبقه‌ای قرار داشت. مدرسه وردانروز میان بازار شهر، نزدیک بازار دلالان بود. این موضع در سده یازدهم هجری به «پای دوخمره» مشهور بود (جدول ۳). ممکن است کاروان‌سرا از آثار پسین باشد که در سده نهم بنا شده بود (جعفری ۱۳۴۳، ۱۰۹ و ۱۱۵؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۴؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۵). نشانی این مدرسه به بازار داخل شهر است. اگر مقصود از بازار داخل شهر همان بازاری باشد که از پیرامون مسجدجامع آغاز می‌شود، باید در آن حوالی سراغ گرفت.

مدرسه معزالدین کیکاووس میان شهر و بر در دولت‌خانه و در شارع بازار سلطان ابراهیم برپا بود (جدول ۳) (کاتب ۲۵۳۷، ۶۵؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۵). موضع آن در داخل شهر بوده است؛ اما شناسایی بازار سلطان ابراهیم و دولت‌خانه با شواهد موجود میسر نیست.

مدرسه سلطان قطب‌الدین داخل شهر و متصل به خانه بانی مدرسه که سرایی عالی بود، قرار داشت. مقابل خانه میدانی وسیع ساخته بودند که به نظر می‌رسد در مدرسه و سرا به این میدان باز می‌شد (جدول ۳). بنا به اظهار کاتب و بافقی، سلطان قطب‌الدین پاره‌ای از خارج شهر را در همان حوالی احداث‌اتش داخل حصار آورد (جعفری، ۱۳۴۳، ۴۱؛ کاتب، ۲۵۳۷، ۶۶-۶۵؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۷). بنا به قولی موقعیت این مدرسه در وضع کنونی، احتمالاً جایی میان محله‌های مال میر و فهادان است (خادم‌زاده، علومي، و الوندیان ۱۳۸۷، ۲۹؛ عینی فر و خادم‌زاده ۱۳۹۰، ۱۳۳). مدرسه محمودشاهیه را در محله باب‌الوساده بنا کردند. در سده هشتم «مقابل» این مدرسه خانقاه و مدرسه رشیدیه و «جنب» آن مدرسه رکنیه ساخته شد (حسینی یزدی ۱۳۴۱، ۵، ۱۲، ۱۷؛ جعفری ۱۳۴۳، ۴۲ و ۱۰۵؛ کاتب ۲۵۳۷، ۶۸). از این نحوه نشانی دهی معلوم می‌شود مدرسه محمودشاهیه در سوی شرقی مدرسه رکنیه قرار داشت و روبه‌روی آن مدرسه و خانقاه رشیدیه بود (جدول ۳) که در ضلع غربی میدان وقت‌وساعت فعلی است. محله باب‌الوساده به مناسبت رصد مشهور به وقت‌وساعت (حسینی یزدی ۱۳۴۱، ۱۲) از حدود سده یازدهم هجری به این نام شهرت یافت (شهابی‌نژاد ۱۴۰۰ الف، ۷۱؛ ۱۴۰۰ ب، ۶۰). پس از ویرانی رصد و دیگر بخش‌های مدرسه، عرصه وسیع و میدان‌واری شکل گرفت که امروز میدان وقت‌وساعت نامیده می‌شود. این موضع در سده هفتم هجری خارج حصار شرقی شهر بود و از محله‌هایی است که در توسعه سده هشتم هجری به داخل باروی مظفری ملحق شد.

جدول ۳: موقعیت مکانی مدرسه‌ها

نام مدرسه	مشخصات مکانی	کروکی تصویری
دومناره	محله شهرستان، کنار مسجد قدمگاه امام رضا(ع)	
آتاختیبه یا عطاخانیه	محله شهرستان، کنار مدرسه دومناره، روبه‌روی باغ جمال‌الدوله	
کیانرسو	محله سرریگ، مجاور چاه‌خانه آب سرد، کنار بازار خواجه شمس‌الدین محمدطاهر	
کیانشجاع	محله سرریگ، کنار مدرسه کیانرسو، مجاور میدان خواجه ضیاءالدین	

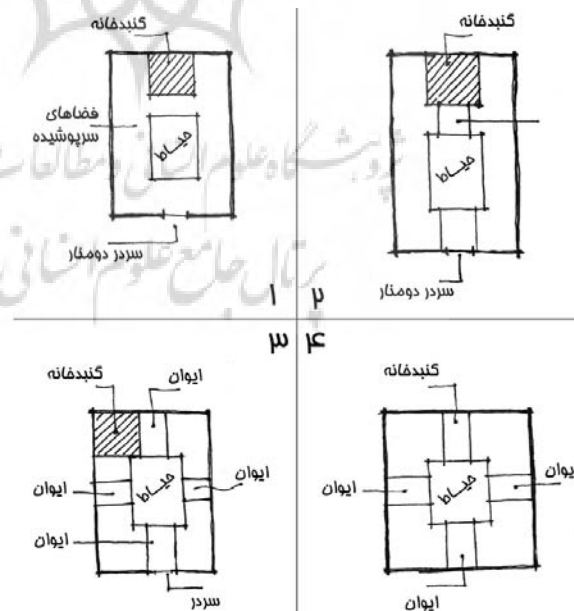
 <p>شهر داخل مزار دروازه مهريجرد مدرسه اتابک</p>	<p>محلۀ سرریگ، بیرون دروازه مهريجرد، واقع در سوی جنوبی بیرون شهر</p> <p>atabek</p>
 <p>کاروانسرای دوطبقه بازار دولتاباد مدرسه وردانروز</p>	<p>داخل شهر، میان بازار، نزدیک بازار دلان، بازارچه دورویه بر در آن، رویه روی کاروانسرای دوطبقه</p> <p>وردانروز</p>
 <p>میدان مدرسه سلطان قطب الدین</p>	<p>حدود محلۀ فهادان و مال میر کتونی، متصل به سرا (خانه) سلطان قطب الدین و مقابل میدانی وسیع</p> <p>سلطان قطب الدین</p>
 <p>دولتخانه مدرسه معزالدین کیکاووس</p>	<p>میان شهر، در بازار سلطان ابراهیم</p> <p>معزالدین کیکاووس</p>
 <p>مدرسه محمودشاهی رصد مدرسه رکنیه رشیدیه</p>	<p>محلۀ باب الوساده (وقت وساعت)، واقع در بیرون حصار شرقی شهر، بعدها مدرسه رشیدیه در رویه رو و مدرسه رکنیه در مجاورت آن.</p> <p>محمودشاهیه</p>

۲.۴. تحلیل معماری

اگر یکی از معانی معماری را این گونه در نظر آوریم که محصول ساخت مکان (آثار معماری)، عامل ساخت مکان (بانیان و عاملان) و سیاق (بستر و وجوه مادی و غیرمادی) است (قیومی بیدهندی بی تا، ۸۷)، آنگاه در تحلیل معماری مدارس این پژوهش می توان به مسائلی پرداخت که شاید تصویری از این گونه بنا در اعصار گذشته به دست دهد. شایان ذکر است که مستندات متنی تاریخی درباره این موضوع ناکافی و مبهم، و شواهد مادی موجود هم مبهم تر و ناچیز است و هر تحلیلی با گمان و احتمال همراه خواهد شد.

۱.۲.۴. سازمان فضایی و عناصر معماری

نکته‌ای که بارها در منابع تاریخی به آن اشاره شده، هم‌نشینی گنبدخانه و مدرسه است. نسبت و نحوه مجاورت و ترکیب گنبدخانه با باقی بخش‌های مدرسه روشن نیست و به‌درستی نمی‌توان گفت که این مدارس گونه‌ای مدرسه گنبددار بودند یا مدرسه بودند که گنبدی هم در مجاورت آن احداث می‌شد. پیشگاه ورودی واسط ارتباطی بیرون به داخل مدرسه بود که به گمان و به‌طور منطقی ابتدا به فضای باز حیاط و سپس به سایر عرصه‌ها و عناصر کالبدی راه می‌یافتند. اقلیم یزد همچون دیگر مناطق کویری به‌گونه‌ای است که از گذشته‌های دور، بناها با حیاطی در میان ساخته می‌شدند؛ به‌ویژه بناهای عمومی که نیاز به فضاها و کارکردهای گوناگون داشتند. مساجد سده‌های نخست هجری، مانند مسجدجامع فهرج، یزد و مابعد با طرح حیاط‌دار شناخته شده‌اند. با فرض اینکه «حیاط» عنصر کالبدی و باز چنین بناهایی بوده است، آن‌گاه دور از ذهن نیست که عناصر کالبدی مدرسه دورادور حیاط مستقر می‌شدند (تصویر ۱). این نحو از ترکیب‌بندی کالبدی در مدارس سده‌های بعد متداول شد؛ اما نمی‌توان با اطمینان به نظام ترکیب خطی فضاها و عناصر اصلی مدارس سده هشتم و نهم هجری (امامی میبیدی ۱۴۰۱، ۲۳۷) که جایگزین شده بود و الگوی غالب مدارس را تشکیل می‌داد، ارجاع داد. باوجود این بیش‌وکم چنین شباهت‌هایی محتمل به نظر می‌رسد. حیاط و صحن گشاده و پروسعت در آن روزگار در یزد متداول نبود. مساجد و خانه‌های به‌جامانده از این دوره تا سده هشتم و نهم هجری، شواهدی‌اند که نشان می‌دهند حیاط عمارت‌ها وسیع نیستند. درباره وجود ایوان یا فضای دیگری در مدارس اشاره‌ای نشده و گنبدخانه در صورتی که در ترکیب با دیگر فضاهای مدرسه انگاشته شود (تصویر ۱)، ایوان می‌تواند یکی از آن فضاها باشد؛ زیرا در این عصر ایوان وارد معماری مساجد و مدارس شده بود و طرح‌های یک، دو و چهارایوانی را شامل می‌شد. شواهدی از طرح چهارایوانی مدارس نظامیه هم‌دوره با مدارس یزد در مدرسه نظامیه خرگرد آشکار شده است (تصویر ۱) (گدار ۱۳۸۵، ۲۴۲-۲۴۳)؛ اما با استناد به بناهایی مانند مدرسه شمسیه یزد، تداوم طرح دوايوانی هم در این منطقه پذیرفتنی است (تصویر ۱) دستیابی به تصویری روشن از نظام و ترکیب کالبدی ناممکن است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، داده‌های تاریخی ناکافی و مبهم است، مگر اینکه شواهد باستان‌شناسانه از معماری این بناها به دست آید.



تصویر ۱: کروکی‌هایی برای تصور حالت‌های گوناگون ترکیب فضاها در مدارس روزگار کاکوییان و اتابکان یزد: ۱. گنبدخانه در محور و در انتهای فضاهای سرپوشیده مدرسه؛ ۲. گنبدخانه در محور و در ترکیب با ایوان در مدرسه با طرح دوايوانی؛ ۳. گنبدخانه در کنج ضلع جنوبی و ایوان در کنار آن در طرح چهارایوانی (زندانی اسکندر)؛ ۴. مدرسه طرح چهارایوانی بدون گنبد (مدرسه نظامیه خرگرد).

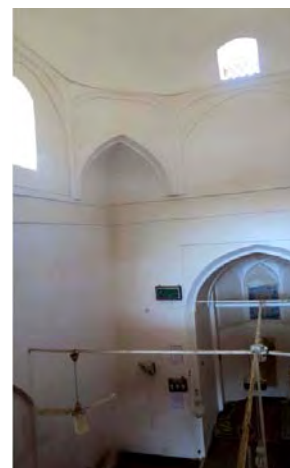
۲.۲.۴. گنبدخانه

یکی از عناصر کالبدی شاخص و برجسته همه مدارس یادشده «گنبدخانه» است. مورخان تواریخ یزد با توصیف‌هایی نظیر «قبه عالی»، «گنبد عالی»، «گنبدی به‌سان طاق نیلگون فلک»، «گنبدخانه معظم» و «گنبد رفیع» (جعفری ۱۳۴۳، ۳۷؛ کاتب ۲۵۳۷، ۵۸، ۶۴؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۷۶ و ۸۴؛ همان، ج. ۳: ۷۳۶) از گنبدخانه مدارس یاد کرده‌اند. با قطع نظر از وجه مبالغه‌آمیز توصیف آن‌ها، گنبدخانه مدارس نشانه برتری کالبدی و شاخص بودن آن نسبت به دیگر عناصر کالبدی مدرسه است. در بیشتر نمونه‌ها، گنبدخانه هم‌سنگ با مدرسه، حتی برجسته‌تر، نمودار شده است. گنبدخانه‌ها چه ساختاری داشتند؟ با شواهد اندکی که از آثار معماری کاکویان برجای مانده است، به‌سختی می‌توان تصویر روشنی به دست آورد. گنبدخانه‌ای که از روزگار کاکویان به جا مانده، قبه دوازده‌امام (تصویر ۲ و ۳) در محله فهادان (شهرستان) است. دانشوران این گنبد را از وجوه مختلف در تاریخ معماری ایران بااهمیت دانسته‌اند؛ زیرا نشان‌دهنده تحول گنبدسازی به‌ویژه تمهید چشمگیر چپیره‌سازی (مرحله گذار از زمینه مربع به دایره) است و گنبدی دوره سلجوقی سده‌ای پس از این و با چنین الگویی به کمال می‌رسند. دور از ذهن نیست که گنبدخانه‌های مدارس کاکویان یا دست‌کم برخی از آن‌ها مشابه گنبد قبه دوازده‌امام باشند. شیوه دیگری از گنبدسازی منطقه یزد در سده‌های پنجم و ششم هجری، در مسجدجامع میبد (تصویر ۴ و ۵) و مسجد قدمگاه فراشاه (تصویر ۶ و ۷) دیده می‌شود. این گنبدخانه‌ها عظمت بیشتری دارند و مرحله چپیره آن‌ها ساده‌تر از گنبد دوازده‌امام است. گنبدخانه‌های این دوره نیای گنبدخانه‌های سده هفتم و هشتم هجری به شمار می‌آیند و می‌توانیم با مشاهده گنبدخانه‌های تحول‌یافته‌ای نظیر گنبد هشت (تصویر ۸ و ۹) و زندان اسکندر (تصویر ۱۰ و ۱۱) و کمالیه و دیگر نمونه‌ها سیمای نسبتاً نزدیکی از گنبدخانه‌های مدارس دوره کاکویان و اتابکان را متصور شویم.

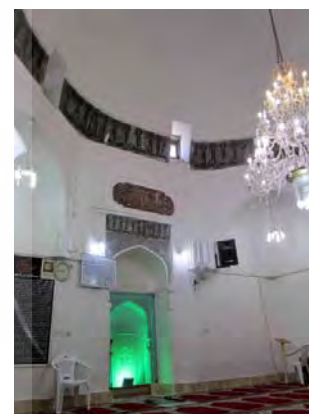
برخی گنبدخانه‌ها مانند مدرسه دومناره «سردابه» هم داشتند و مزین به لاجورد و طلا بودند (جعفری ۱۳۴۳، ۳۷؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۷۳۶). دور از ذهن نیست که بینداریم پوشش داخلی گنبدها منقوش به آرایه‌های رنگین بودند و بیرونشان با آجر پوشیده بود. در ساخت و پرداخت گنبد دوازده‌امام (سده پنجم هجری) تا گنبدی سده هشتم هجری از این سنت پیروی شده است. جز سیمای بیرونی سراسر کاشی‌شده گنبد رکنیه و گنبد مدرسه محمودشاهیه، که به پیروی از رکنیه کاشی‌کاری شده بود، از این قاعده پیروی نکرده‌اند. از گزارش موجود درباره مدرسه محمودشاهیه می‌توان فهمید که در برخی مواقع ابتدا گنبدخانه، که مدفن بانی بود، ساخته می‌شد و سپس باقی بنای مدرسه به اتمام می‌رسید (کاتب ۲۵۳۷، ۶۸).



تصویر ۲ و ۳: قبه دوازده‌امام یزد به تاریخ ۴۲۹ق. منظر بیرونی و داخلی گنبد



تصویر ۴ و ۵: گنبد مسجدجامع میبد از سده ششم هجری. منظر بیرونی و داخلی گنبد (چپ: پرونده ثبت اثر، ۱۳۵۴)

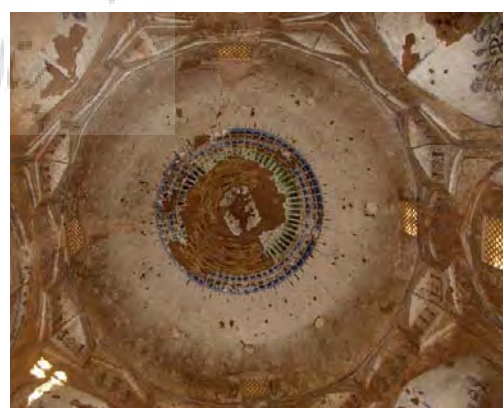


تصویر ۶ و ۷: گنبد مسجد قدمگاه فرانشاه از سده ششم هجری. منظر بیرونی و داخلی گنبد

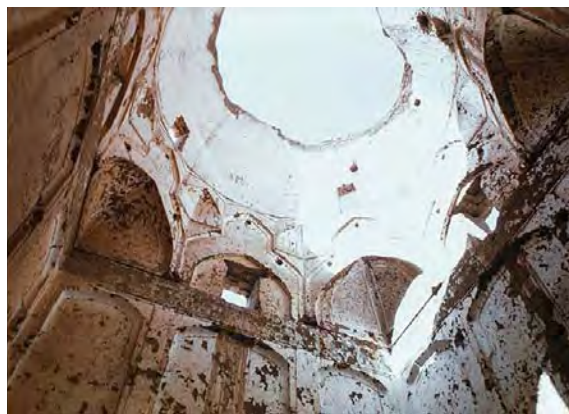
مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۵



تصویر ۸ و ۹: گنبد هشت از سده هفتم هجری، منظر بیرون از خانه حسینیان و داخل گنبد (راست: پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد)



تصویر ۱۰ و ۱۱: گنبد زندان اسکندر از سده هفتم هجری. منظر بیرونی و داخلی گنبد (راست: کتابخانه دیجیتال دانشگاه هاروارد، چاپ: افشار ۱۳۵۲، ج. ۲)

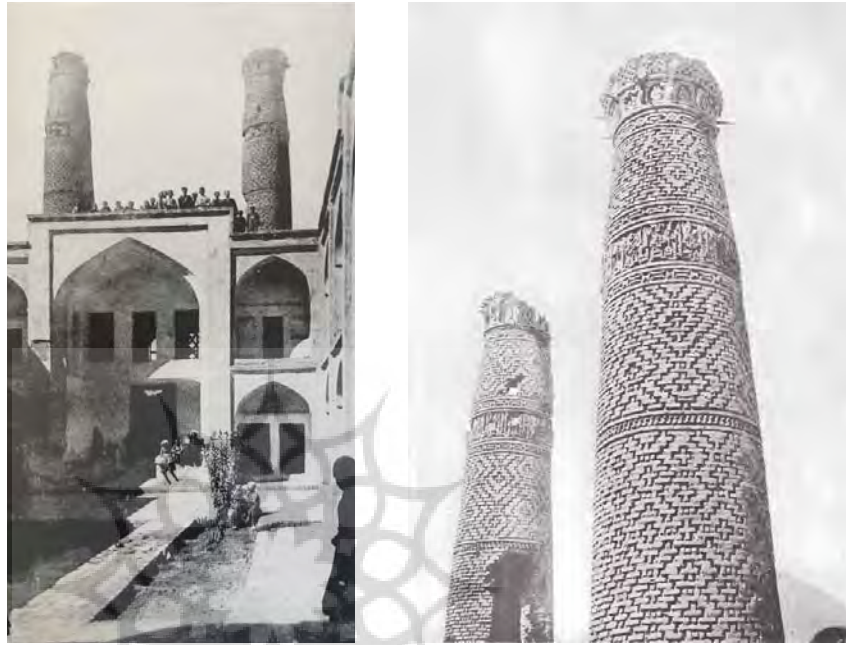
۳.۲.۴. سردر دومناره

مدرسه‌ها درگاهی داشتند و بر درگاه تعدادی از آن‌ها «دو منار» برپا بود. به استناد گزارش‌های تاریخی، مدرسه دومناره، مدرسه عطاخان، مدرسه وردانروز، مدرسه سلطان قطب‌الدین و مدرسه محمودشاهیه درگاه و دو منار داشتند. اما گزارشی از درگاه و منار برای مدرسه کیانرسو، کیاشجاع‌الدین، اتابک و معزالدین کیکاووس در دست نیست. به نظر می‌رسد که این مدارس طبیعتاً دستگاه ورودی و درگاه داشتند؛ اما شاخص و مرتفع نبود. شکل و اجزای این درگاه‌ها توصیف نشده است. بنابراین جزئیاتی از شکل و آرایه‌های سردر و مناره‌ها شناخته‌شده نیست.

سنت ساخت درگاه دومناره تا سده‌های بعد در یزد ادامه داشت و در برپایی مدارس، بخشی از طرح‌اندازی این گونه بنا محسوب می‌شد. گاه با تکلف بود و از حیث بلندا و جلوه‌های بصری در شهر به چشم می‌آمد. برای مثال، مورخان یزدی مناره‌های مدرسه ضیائیة شهرستان را با «درگاهی رفیع» و «دو منار بتکلف» توصیف کرده‌اند (جعفری ۱۳۴۳، ۱۱۶). متأسفانه هیچ اثری از این نمونه‌ها برجای نمانده است و فقط توصیف آن‌ها را می‌توان در خلال گزارش‌های تاریخی خواند. با مشاهده درگاه‌ها و مناره‌هایی که در همین برهه و در دیگر مناطق ساخته شد؛ نیز مناره‌ها و درگاه‌هایی که در سده هشتم هجری در یزد به جا مانده، شاید بتوان تصویری از مناره‌ها و سردرهای کاکوییان و به‌ویژه اتابکان به دست داد.

به انگشت‌شمار درگاه‌های دومنار شناخته‌شده از سده ششم هجری در مناطق خارج از یزد می‌توان اشاره کرد. مدرسه دومنار طیس، درگاهی (ایوانی) با دو منار داشت که آرایه آجری و تخمه‌کاری کاشی و کتیبه کوفی کاشی‌کاری از عصر سلجوقی (سده ششم هجری) بر آن نصب بود (تصویر ۱۲ و ۱۳) (دانشدوست ۱۳۷۶، ۴۴). این مدرسه در زمین لرزه ۱۳۵۷ش ویران شد. اصل سردر دومناره مدرسه غیائیة قم با آرایه آجری و گچ‌بری‌ها و کتیبه‌هایی از بناهای دوره سلجوقی (سده ششم) است که در سده نهم تعمیراتی در آن صورت داده‌اند (تصویر ۱۴ و ۱۵). مناره‌های این مدرسه در وضع موجود ۲۵متر ارتفاع دارند و مزین به تخمه‌کاری کاشی و کتیبه‌ای به خط ثلث است (مدرس طباطبایی ۱۳۵۰، ۳۸۳-۳۸۵). از این مدرسه هم اثری غیر از همین سردر و مناره‌های یادشده برجای نمانده است. سردر دومنار مسجد امام حسن اردستان که ساخته سده ششم هجری است، نمونه دیگری از این دست بناهاست که جداره بیرونی آن با ترکیب کتیبه و آرایه‌های آجرکاری و کاشی پوشیده شده و اکنون یکی از مناره‌های آن برپاست (تصویر ۱۶) (گدار ۱۳۸۴، ج. ۴: ۱۱۷). گمان می‌رود سردر دومنار مدرسه‌های سده ششم هجری یزد شباهتی به این سردرها داشته‌اند؛ زیرا هم به‌لحاظ دوره تاریخی به هم نزدیک‌اند و هم اینکه آجرکاری آرایه غالب سیمای بیرونی بناهای آن روزگار بود و کاشی‌کاری به‌طور محدود و گزیده میان بافت آجری بناها استفاده می‌شد. شاید بتوان سردر شمالی مسجد مظفری کرمان (۷۵۰ق) و سردر شرقی مسجد جامع یزد (۷۷۷ق) را که ساخته معماران یزدی است، با دگرگونی‌هایی ملهم از سردرهای پیشین

دانست. با این فرض که ساخت سردرهای پرداخته در روزگار کاکوییان و اتابکان به دست معماران مشق شد و با برآمدن مظفریان در سده هشتم هجری به کمال رسید.



تصویر ۱۲ و ۱۳: دو مناره مدرسه دومانر طیس، پیش از ویرانی (چپ: دانشدوست ۱۳۷۶، ۱۰۸؛ راست: گذار ۱۳۷۵، ۱۱۷).



تصویر ۱۴ و ۱۵: منار و سردر مدرسه دومانر (غیاثیه) قم (عکس از: نیکزاد)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۴.۲.۴. تأمین آب مدرسه‌ها

شهر یزد با آب کاریز مستفیض می‌شد و به‌تبع آن تأمین آب مورد نیاز مدرسه‌ها هم از همین راه بود. کیانرسو «قنات نرسوآباد» را جاری ساخت (جعفری ۱۳۴۳، ۳۶؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۶۵۷) و به‌واسطه این آب محله‌ای در خارج باروی جنوبی شهر شکل گرفت. مدرسه کیانرسو که در همین حدود قرار داشت، چه‌بسا همین آب در مدرسه خودش نیز جریان داشت و از آن بهره‌مند می‌شدند. «آب محمودآباد» را در مدرسه عطاخان جاری کردند (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۱). با توجه به مجاورت مدرسه عطاخان با مدرسه دومناره، شاید پیش‌تر از آب محمودآباد در این مدرسه نیز استفاده می‌شد. رساندن آب به مدارس قدیمی‌تر تا سده بعد هم ادامه می‌یافت. مثلاً سید رکن‌الدین برای رساندن «آب تفت» به در خانه استاد قرآنش محمد بن یعقوب در محله کوشکنو، بر سر راه شاخه قناتی که می‌کشید، آب را از بیرون شهر علاوه بر اینکه به باغچه دارالشفاء، مسجد جمعه و مدرسه رکنیه رساند، از در مدرسه وردانروز و مدرسه عطاخان نیز گذراند (جعفری ۱۳۴۳، ۱۰۹؛ کاتب ۲۵۳۷، ۱۱۷). چون کمتر آبی در تراز رویی شهر جریان داشته، به نظر می‌رسد مدرسه‌ها پایایی برای دسترسی به آب قناتی که از ژرفای زمین می‌گذشت، داشتند.

۳.۴. کارکرد

مدرسه‌ها، عموماً کارکرد آموزشی دارند و در گذشته نیز چنین بوده است. نکته عجیب درباره مدارس سده‌های پنجم تا هشتم هجری یزد، نبود آگاهی کافی از کارکرد و نحوه بهره‌برداری از این‌گونه بناهاست. مورخان محلی درباره موضوع یادشده گزارش روشنی ارائه نکرده‌اند. تنها کارکردی که بارها برای مدرسه در بازه زمانی این پژوهش بر آن تأکید شده، جایگاه تدفینی و گاه زیارتگاهی این بناهاست. این‌طور به‌نظر می‌رسد که مقصود اصلی بانیان مدرسه‌ها ساخت بنایی گنبددار و شاخص بود که پس از فوت‌شان در آنجا به خاک سپرده شوند. گنبدخانه عنصر کالبدی شاخصی به شمار می‌آمد و با وجود درگاه مناره‌دار، در منظر شهری چشمگیر بود. به‌طور معمول گورستان در خارج از بافت مسکونی شهر قرار داشت و آرامگاه مشاهیر در همان گورستان برپا می‌شد. نمونه آن مزار امامزاده ابوجعفر است که در ۴۲۴ق وفات یافت و در گورستان بیرون شهر به خاک سپرده شد و سپس بر سر قبرش آرامگاهی ساختند (افشار ۱۳۵۲، ج. ۲: ۲۹۷). اشاره به کارکرد تدفینی مدارس یزد در روزگار کاکوییان و اتابکان در تواریخ یزد برجسته است و چنین کارکردی تا سده نهم هجری متداول بود. گنبدخانه مدارس مدفن بانی مدرسه یا همسرش یا دیگر اعضای خانواده‌اش (برادر و پدر و پسر) بود. در برخی مدارس به‌مناسبت جایگاه و شخصیت متوفای (بانی) آن مدرسه از کارکرد آرامگاه شخصی و خانوادگی فراتر می‌رفت و جنبه زیارتگاهی می‌یافت. نمونه آن مدرسه سلطان قطب‌الدین است که «زیارتگاه» هم بود (کاتب ۲۵۳۷، ۶۸). در منابع په درویش‌نوازی‌ها و نیکوکاری‌های قطب‌الدین اشاره کرده‌اند. مطابق گزارش بافقی در سده یازدهم هجری، ظاهراً شهروندان یزدی برای ادای دین به زیارت مزار چهارمین حاکم اتابک یزد می‌رفتند: «اشراف و اعیان و خواص و عوام زیارت آن بزرگوار رفته بمرادت فایض می‌گردند» (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۸) ویژگی یادشده یعنی وجه زیارتگاهی مدرسه‌های یزد در سده‌های بعد با از حضور عرفا و سادات و انتقال این سنت به دیگر مدارس و خانقاه‌ها، پررنگ‌تر می‌شود؛ چنان‌که با بنیاد خانقاه‌ها، که مدفن عرفا و مریدانشان نیز بود، کارکرد تدفینی و زیارتی این‌گونه بناها افزایش می‌یافت. این موضوع نیاز به پژوهش جداگانه‌ای دارد؛ اما باید به طرح این پرسش پرداخت که کارکرد «گنبدخانه» آرامگاهی بوده و کارکرد «مدرسه» متصل به گنبدخانه آموزشی؟

بنای مدرسه را به‌قصد مدفن اصحاب حکومتی در جاهای دیگری هم، غیر از یزد، در همین بازه زمانی ساخته‌اند: «[...] و سلطان ملک‌شاه در اصفهان مدرسه‌ای بنا کرد در محله کران [...]» (نخجوانی ۱۳۵۷، ۲۷۷). ملک‌شاه سلجوقی را بعد از وفات از بغداد به اصفهان آوردند و در مدرسه خودش دفن کردند (کسائی ۱۳۶۳، ۲۲۰). نخجوانی به تمایل ملک‌شاه به ابوحنیفه اشاره کرده است؛ اما به خواست نظام‌الملک بر کتیبه این مدرسه نوشتند: «وقف علی اصحاب الامامین امامی الائمه صدری الاسلام» (نخجوانی ۱۳۵۷، ۲۷۷). این نکته نشان می‌دهد که مدرسه ملک‌شاهی وقفی و احتمالاً مرکزی آموزشی بوده و نظام عقیدتی مشخصی هم داشته است. علاوه بر این، نظام‌الملک در محله درشت اصفهان، در میانه‌های سده پنجم هجری (هم‌زمان با کاکوییان یزد) جنب مسجدجامع «نظامیه‌ای» ساخت که وجه آموزشی



تصویر ۱۶: یکی از مناره‌های سردر دو منار مسجد امام حسن اردستان (گذار ۱۳۷۵، ۱۱۸)

آن پوشیده نیست (مافروخی ۱۳۸۵، ۱۸۱؛ کسائی ۱۳۶۳، ۲۲۲). در بازه زمانی این پژوهش و در شهرهای بزرگی نظیر نیشابور و ری و اصفهان و بغداد مراکز آموزشی دایر بود. از نهادهای آموزشی این دوره با عنوان رسمی «نظامیه» یاد کرده‌اند. بانی نظامیه‌ها خواجه نظام‌الملک (۴۰۸-۴۸۵ق) بود و کاکوییان یزد تقریباً هم‌زمان با اقدامات نظام‌الملک بناهایی موسوم به مدرسه بنا کردند. مستنداتی درباره نظامیه‌های اصفهان و نیشابور و بغداد، و مدرّسان و شاگردان و شیوه آموزش و ویژگی معماری و اهدافشان به جای مانده است.

شاید «آموزش» در مدارس پیش از سده هشتم هجری یزد جریان داشته، اما مورخان درباره آن سخنی به میان نیاورده و آن را نسبت به سایر وجوه مدارس آن روزگار بی‌اهمیت ارزیابی کرده‌اند. آگاهی از کارکرد نهاد مدرسه در یزد، از طریق وقف‌نامه جامع الخیرات، که درباره موقوفات خاندان حسینی یزدی به‌ویژه مدرسه‌های رکنیه و شمسیه در سده هشتم هجری تنظیم شده، روشن می‌شود. مدرسه رکنیه محل آموزش علوم دینی و غیردینی بود و در کنار آن نهاد خیریه‌ای موسوم به «ابواب الخیر» ایجاد کردند که مجموعه‌ای از بناهای خیریه، نظیر دارالادویه و دارالکتب و رصدخانه و دارالسیاده و دیگر بناها بود. در انطباق مدارس سده هشتم هجری با مدارس محدوده زمانی این پژوهش باید جانب احتیاط را در نظر گرفت؛ زیرا کارکرد چنین نهادهایی به‌مرور دگرگون می‌شد و تکامل می‌یافت و بانیان اهداف تازه‌ای را براساس مقتضیات و ضرورت‌های زمانه دنبال می‌کردند.

اگر نام مدرسه دلالت بر معنای اصلی آن یعنی محل تدریس داشته باشد و با این فرض که مدارس دوره کاکوییان و اتابکان نیز از این کارکرد برکنار نبوده باشند، می‌توانیم با احتیاط بگوییم مدارس کاکوییان و اتابکان هم بناهای خیریه‌ای بودند و اصحاب حکومتی، در کنار فعالیت‌هایی چون جاری ساختن قنوات، آباد کردن روستاها و شهرها و ساخت مساجد، مدرسه هم می‌ساختند که به ترویج علوم (دینی یا غیردینی؟) و امور خیر بپردازند و بر این مدارس موقوفاتی معین می‌کردند تا تداوم حیات این بناها در آینده فراهم شود. برای مثال سلطان قطب‌الدین رقبات بسیار بر مدرسه‌اش وقف کرد: «از آن موقوفات سوای مزرعه میرکاباد میبد نام وقف بر محالی نمانده» بود؛ نیز قطب‌الدین «پیوسته درویشان را طعام دادی و مسافران را عزیز داشتی» (کاتب ۲۵۳۷، ۶۶). احتمالاً اطعام فقرا یا رسیدگی به مسافران در این مدرسه انجام می‌شد که نشان‌دهنده جنبه خیریه‌ای چنین مدرسه‌ای است.

مدرسه محمودشاهیه علاوه بر کارکرد ذاتی‌اش در سده هفتم هجری، در سده‌های بعد کارکرد دیگری هم پیدا کرد: «و اگر نعوذبالله من غضب‌الله شخصی را به حکم سیاست از منار انداختن فرمایند او را بر مناره این مدرسه برند، و از قصه او پاره‌ای به جهت این امر بریده‌اند و آن کس را به زیر اندازند» (کاتب ۲۵۳۷، ۶۸). معلوم می‌شود مناره مدرسه محمودشاهیه محل اجرای حکم مجرمانی بوده که محکوم به اعدام می‌شدند. باید بیفزاییم که پس از برافتادن اتابکان چنین کارکردی به وجود آمده و دیگر اینکه به گمان دلیل آن وجود عرصه میدانگاهی در کنار سردر و نحوه دسترسی به بالای مناره‌ها بوده است.

مردم بعد از ویرانی مدرسه اتابک در آن رفت‌وآمد داشتند: «آن مدرسه [اتابک] خراب شده و گنبدخانه قائم است و مردم در آن گنبد روند و مثل مؤذنان و قاریان آواز گردانند» (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۴). هرچند این استفاده پس از متروک افتادن مدرسه روی داده، تأکید بر تمرین آواز به سبب بازتاب صوت در زیر گنبدخانه بوده است. اکنون گنبد مسجد شاه اصفهان چنین خصوصیتی دارد.

مورخان یزدی به نکته‌ای درباره مدرسه آتاخانیه اشاره کرده‌اند. این مدرسه در سده نهم و لاقلاً تا سده یازدهم هجری به «زندان شریعت» مشهور بود (کاتب ۲۵۳۷، ۶۰؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۱). مقصود از زندان شریعت چیست؟ تحلیل این نکته، از جهات مختلف و به علت فقدان شواهد کافی، ممکن است فهم چستی مدرسه را پیچیده‌تر کند.

۴.۴. جست‌وجوی شواهد موجود

در وضع کنونی شواهد بسیار اندکی از مدرسه‌های تاریخی قدیم یزد بر جای مانده است که دلایلی دارد؛ یکی از آنها خرابی‌هایی است که در پی سیل و بارش برف به تأسیسات شهری و بناهای یزد وارد می‌شد. سیل ۵ اردیبهشت ۶۷۳ق

و خرابی‌های ویرانگرش، نیز حوادث تلخ سده نهم هجری نظیر قحطی سال ۸۵۸ق و به تبع آن دربندان‌ها و جنگ‌ها و غارت‌ها، همچنین سیل ۸۶۰ق بسیاری از بناهای یزد را نابود کرد (کاتب ۲۵۳۷، ۶۹ و ۲۳۸-۲۴۶). زمستان ۱۰۵۷ق برفی «عظیم» در یزد بارید که تا سه ماه در معابر مانده بود و در پی آن بازارها و بیشتر خانه‌ها ویران و سروهای شهر خشک شد (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۱۳۳). همچنین برآمدن سلسله‌های فرمانروایی جدید و بی‌توجهی آن‌ها به بناهای پیشین، به‌ویژه مدرسه‌ها که تا حدودی بنیادهای شخصی و مدفن حاکمان قبلی بودند، می‌تواند از دیگر علت‌های احتمالی آسیب و خرابی باشد. موقوفه‌های مدرسه‌ها دستخوش غارت و تبدیل می‌شد و از این‌رو امکان نگهداری مجموعه‌ها بدون پشتیبانی مالی میسر نبود. در تواریخ یزد به تباہ شدن موقوفات مدرسه سلطان قطب‌الدین اشاره شده است (مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۸۸).

برخی بناهای کهن و بی‌تاریخ که در یزد بر جای مانده‌اند، هویت روشنی ندارند؛ از جمله بنای «گنبد هشت» در حدود گذر بوزداران و بنای «زندان اسکندر» مجاور قبه دوازده‌امام در محله فهادان. هر دوی این بناها گنبدخانه ستبر و بلندی دارند که نسبت به سایر عناصر کالبدی چشمگیرتر است. زندان اسکندر که شاید مدرسه یا خانقاهی بوده، حیاط و فضاهای گرد حیاط مانند ایوان‌ها و غرفه‌ها از سده هشتم هجری است. با توجه به تقدم و تأخر عناصر کالبدی این بنا، گنبدخانه آن کهن‌تر و با توجه به کتیبه‌های مندرج در وجه داخلی گنبدخانه به گمان از آثار روزگار اتابکان است. پیرنیا زندان اسکندر کنونی را همان مدرسه ضیائیة شهرستان دانسته (معماریان ۱۳۸۷؛ افشار ۱۳۵۲، ج. ۲: ۸۰۰، به نقل از پیرنیا)؛ اما به لحاظ موقعیت مکانی و معماری با این مدرسه منطبق نیست (افشار ۱۳۵۲، ج. ۲: ۸۰۰؛ مهرعلی و نیک‌زاده، ۱۳۹۶). آیا ممکن است یکی از دو مدرسه دومناره یا عطاخانی (زندان شریعت) باشد؟ به‌ویژه اینکه نام یکی از دو مدرسه غایب یادشده و زندان اسکندر با «زندان» آغاز می‌شود. مدرسه‌های دومناره و عطاخان در محله شهرستان کنار هم و در مجاورت با مسجد قدمگاه امام رضا(ع) بودند، که از موضع کنونی زندان اسکندر فاصله کمی دارد. در حال باید با تردید به این نکته نگاه کنیم و متناسب با کمیت و کیفیت شواهد درجه‌ای از اعتبار را برای آن قائل شویم.

حیاط هشت‌گوش و عناصر کالبدی پیرامونی‌اش در «گنبد هشت» که حسینیه نامیده می‌شود، از سده‌های میانه هجری و پس از آن است. گنبدخانه به لحاظ سیر تحول کالبدی بر دیگر اجزا تقدم دارد و با توجه به کتابه نقاشی زیر گنبد تاریخی جدیدتر از روزگار اتابکان (سده هفتم هجری) برای آن نمی‌توان قائل شد؛ به‌ویژه اینکه نام «ابی منصور» در کتابه خوانده می‌شود که به گمان به سلطان قطب‌الدین اشاره می‌کند (افشار ۱۳۵۲، ج. ۲: ۳۷۱؛ خادم‌زاده، علمی، و الوندیان ۱۳۸۷، ۲۱). «ابومنصور اسفہسالار» چون حاکم یزد شد، به سلطان قطب‌الدین شهرت یافت (کاتب ۲۵۳۷، ۶۵). در تاریخ یزد نوشته‌اند که «نشان ولایت در او ظاهر بود» (جعفری ۱۳۴۳، ۴۱) و به قول کاتب در سده نهم و بافقی در سده یازدهم هجری، مردم به زیارت او در گنبدخانه‌اش می‌رفتند (کاتب ۲۵۳۷، ۶۸؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۱ و ۲: ۸۸). شاید همین جنبه تقدس ناشی از زیارتگاهی بودن گنبدخانه، سبب شد در سده‌های بعد حسینیه‌ای جای بنای مدرسه‌ای، که روبه‌خرابی رفته بود، ساخته شود. از این‌رو شاید بتوان گنبد هشت را با گنبدخانه مدرسه سلطان قطب‌الدین انطباق داد. کاوش باستان‌شناسی در پیرامون بنا و مرمت آرایه‌های داخلی گنبد در آینده می‌تواند زمینه‌ساز روشن‌تر شدن این موضوع شود.

گمان می‌رود خانه حسینیان (طاق بلندها) واقع در کوچه حسینیان منتهی به محله فهادان، به عللی از قبیل واقع شدن در مجاورت گنبد هشت، مشخصات معماری و آرایه‌های نقاشی به کاررفته در آن از سده ششم و هفتم هجری باشد. دور از ذهن نیست که سرای عالی و دولت‌خانه سلطان قطب‌الدین مندرج در تواریخ یزد همین خانه حسینیان باشد (خادم‌زاده، علمی، و الوندیان ۱۳۸۷، ۲۹؛ عینی‌فر و خادم‌زاده ۱۳۹۰، ۱۳۳). در این صورت باید دید که «میدان وسیع» در چه موضعی قرار داشته؟ ورودی کنونی خانه مذکور از گذر شمالی حسینیان است و ورودی گنبد هشت و حسینیه در سوی مخالف آن و در کوچه‌ای دیگر. اثبات یا رد چنین مفروضاتی نیازمند پژوهش در دگرگونی مورفولوژی شهری سده‌های گذشته است. از میان ساخته‌های سلطان قطب‌الدین، مسجد قدمگاه امام رضا(ع) واقع در بیرون دروازه مالمیر به نام پیشین شناخته می‌شود. این بنا اکنون در کنار خیابان امام، پیش از رسیدن به خیابان فهادان قرار دارد (افشار ۱۳۵۲، ج.

۲: ۲۷۴؛ خادمزاده، علمی، و الوندیان ۱۳۸۷، ۲۷).

مدرسه کیانرسو و کیشجاع در محله سرریگ قرار داشتند. اگرچه قلمرو این محله محدوده بازار تا میدان امیرچقماق را شامل می‌شود، آثار احتمالی از این بناها شناسایی نشده است. مدرسه اتابک واقع در بیرون دروازه مهریجرده که اینک محدوده بازار را در بر می‌گیرد، نیز همان وضع را دارد. موضع مدرسه معزالدین کیکاووس یعنی بازار سلطان ابراهیم واقع در «میان شهر» شناخته شده نیست. مدرسه محمودشاهیه (صفوتیه) در محله باب‌الوساده (وقت‌وساعت) در حوالی گنبد رکنیه به یقین ویران شده است و به مرور زمان به خورد بافت مسکونی واقع در این محله رفته است.

۵. بحث و استنباط

اطلاعاتمان به اندازه‌ای نیست که بدانیم پیش از کاکویان مدرسه‌ای در یزد وجود داشته یا نه؟ جغرافی‌نویسان سده چهارم هجری به رغبت اهالی کته در یزد به «نویسندگی» اشاره کرده‌اند؛ با این توصیف‌ها: «و مردمان [کته] دبیر پیشه باشند» (اصطخری ۱۳۴۰، ۱۱۲) و «بیشتر مردم آن [شهر] به دانش و نویسندگی راغب اند» (ابن‌حوقل ۱۳۳۶، ۵۰) و «و غالباً بر اهل ادب و خط است» (جیهانی ۱۳۶۸، ۱۱۶). این‌ها نشان می‌دهد که با گذشت بیش از دو سده از ورود اسلام به این منطقه و پذیرش تدریجی آن، پیشرفتی در زمینه آموزش و ترویج علوم (دینی یا غیردینی) به وجود آمده بود که چه بسا ریشه در گذشته دورتر داشت. این‌ها می‌تواند احتمال بنیان مدرسه یا دارالعلم و نهادهایی از این قبیل در بناهایی چون مدرسه یا مساجد و سراها و دیوان‌خانه‌ها باشد. اشاره جعفری به راه‌اندازی کتابخانه مسجد جمعه یزد در سده پنجم به دست علاءالدوله گرشاسب (جعفری ۱۳۴۳، ۳۷)، نشان از این دارد که در مسجد یا جاهای دیگری خدمات و فعالیت‌های علمی جریان داشته و سنتی کهن شمرده می‌شد. همین مطلب درباره کتابخانه صاحب بن عباد و دیگران در ری که کتاب‌های بی‌شمار داشت (کریمان ۱۳۴۵، ۵۴۸-۵۵۰) و همچنین کتابخانه صاحب در مسجد جامع اصفهان و کتابخانه عضدالدوله در شیراز صدق می‌کند (سجادی ۱۴۰۱، ۴۸۰-۴۹۲). در سده‌های بعد، وجود کتابخانه در مدرسه‌های یزد گزارش شده است که می‌توان مدرسه رکنیه و شمسیه را نام برد (حسینی یزدی ۱۳۴۱، ۶-۵).

مدارسی که از آن‌ها در تواریخ نام برده شده، ساخته فرمانروایان و خانواده‌های ایشان بوده است. باینکه مستندات مبنی بر مشارکت بیشتر وزیران، سرهنگان، خادمان و کنیزان در آبادانی شهرها و روستاها و ساخت بناها وجود دارد، برپایی مدرسه به دست ثروتمندان گزارش نشده است. به نظر می‌رسد ساخت مدرسه عمدتاً ویژه فرمانروایان و خانواده ایشان بوده و دیگران کمتر چنین اقدامی می‌کردند. این گزاره از اینجا پررنگ‌تر می‌شود که بانیان مدرسه‌ها این بناها را برای مدفن خویش می‌ساختند و دیگران در گورستان‌ها به خاک می‌رفتند. چنین مدارسی را می‌توان آرامگاه سلطنتی فرض کرد. از این رو، اینکه مورخان به دیگر بخش‌های مدرسه و جنبه آموزشی آن اشاره نکرده‌اند، نشان‌دهنده برجسته بودن جنبه آرامگاهی مدارس است. اما به راستی مدارس و به ویژه مدارس شیعه در آن روزگاران چه کارکردی داشتند؟ نتیجه جست‌وجو در تواریخ یزد همان است که تا اینجا گفته شد. شاید شرح حال مدارس هم‌روزگار مناطق دیگر، راهی برای پاسخ به این پرسش بگشاید. در آمل مشهد، مدرسه و دارالکتب ناصر کبیر، سومین فرمانروای علویان طبرستان، برقرار بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۹۷)، مجموعه‌ای که در سده چهارم هجری بنیان شد و توأمان هم مدفن و هم مدرسه بود. وجود کتابخانه در این مدرسه وجه آموزشی آن را گوشزد می‌کند. از این واضح‌تر، مدرسه‌ای است که در سده ششم هجری شاهنشاه غازی بن رستم، از زمامداران بلوندیه مازندران، در محله «در زامهران» ری ساخت که از مدارس شیعه به شمار می‌رفت (کریمان ۱۳۴۵، ۵۳۴). این مدرسه اوقاف بسیار داشت و فقها و صلحا در آن مشغول آموزش و ترویج علوم دینی بودند. در کتابخانه آن کتاب‌هایی از اقسام علوم مانند کتاب‌های تاریخی نگهداری می‌شد (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۴ و ۹۱). قزوینی رازی در نقض به مدارس شیعه در خراسان و مازندران و قم و کاشان و آبه اشاره کرده و کارکرد آموزشی و دینی آن‌ها را در سده ششم هجری با شرح بیشتری از مدارس ری بیان کرده است. مجلس وعظ، ختم قرآن، نماز به جماعت و مناظره در مدارس برپا بوده و اهل علم و زهد و سادات و فقهای غریب در آنجا مجاور می‌شدند و به کودکان قرآن می‌آموختند: «در مدرسه عبدالجبار مفید، چهارصد مرد فقیه و متکلم درس شریعت آموختند [...] مشهورست به درس علوم و نماز به جماعت و ختم قرآن و نزول اهل صلاح و فقها» و «و مدرسه جاروبندان که

زیادتر از دویست دانشمند در وی درس اصول دین و اصول الفقه و علم شریعت خوانند [...] و در آنجا درس علم می‌رود و هر روز ختم قرآن و منزل مصلحان فقه‌است و کتب‌خانه دارد» (قزوینی رازی ۱۳۵۸، ۳۵ و ۳۶). می‌توان پنداشت که همچون مدارس یادشده، تعلیم علوم شریعت و فعالیت‌های دینی در مدارس سده پنجم و ششم هجری یزد، که به‌دست فرمانروایان شیعه‌مذهب کاکویی بنیان یافت، جریان داشته و سپس در دوره‌های بعد ادامه یافته است.

در دو دوره کاکویان و اتابکان مدارس یزد به‌لحاظ کالبدی شباهت زیادی به هم داشتند. هرچند به‌یقین آثاری از ساختمان مدارس در دست نیست تا بتوان دست به مطالعه تطبیقی گشود، از گزارش‌های تاریخی می‌توان به شباهت‌های بسیار میان آن‌ها پی بُرد. کاکویان سنتی در معماری یزد بنیاد کردند که در سده‌های پسین یا عیناً ادامه یافت یا بر همان سیاق و تهرنگ متحول شد. این دست‌کم دربارهٔ مدرسه‌ها، که به‌تفصیل گفته شد، صادق به نظر می‌رسد و دربارهٔ دیگر گونه‌ها باید بررسی کرد. برخی مدارس سردر دومنار داشتند و برخی سردر بی‌منار. گنبدخانه به‌لحاظ کارکردی عنصر مستقل از باقی بخش‌های مدرسه به‌شمار می‌رفت، اما در ترکیب فضایی جدای از آن نبود (تصویر ۱). اگر آن گونه که شهرت یافته است، به فاصله سه چهارم سده پس از ورود اسلام، گنبدخانه نقش پررنگی در مساجد یافته و با استقرار دوباره آن به‌نحوی سنت معماری روزگار ساسانی احیا شد، از این تحقیق می‌توان استنباط کرد که مدارس هم نقش پررنگی در به‌کارگیری الگوی گنبدخانه به‌مثابه عنصر کالبدی شاخصی داشتند. این دست‌کم در یزد صادق به نظر می‌آید و دیگر مناطق را باید بررسی کرد.

نتیجه

در تواریخ محلی یزد به چهار مدرسه از روزگار کاکویان و پنج مدرسه از دوره اتابکان اشاره کرده‌اند. همه این بناها، بیش‌و‌کم تا سده یازدهم هجری برپا بوده‌اند. مدارس مذکور عبارت‌اند از: مدارس دومناره، فخرجلاد یا سرریگ، کیاشجاع و عطاخان یا آتاختیه مربوط به کاکویان و مدارس اتابک، وردانروز، معزالدین کیکاووس، سلطان قطب‌الدین و محمودشاهیه یا صفوتیه از ساخته‌های اتابکان. با اینکه به نشانی و موضع قدیم و مشخصه‌های محیطی مدرسه‌ها در داخل شارستان یا خارج از آن گزارش‌های نسبتاً روشنی به ما رسیده است، از یک‌سو با گذشت سده‌ها و در رهگذر تحولات و دگرگونی‌های به‌وجودآمده در شهر و ازسوی دیگر به‌سبب ویرانی و محو آثار این بناها، شناسایی بیشتر آن‌ها میسر نیست. حدس و گمان‌هایی مبنی بر انطباق بنای زندان اسکندر با مدرسه دومنار یا عطاخانی، گنبد هشت با مدرسه سلطان قطب‌الدین قابل طرح است و مدرسه محمودشاهیه واقع در جوار مدرسه رکنیه اگرچه موضع معلومی دارد، اما به‌یقین ویران شده است.

بنای مدرسه و مجاورتش با گنبدخانه موجودیت مستقل و درعین‌حال وابسته‌ای را برای مدرسه ایجاد کرده بود. علت آن کارکرد تدفینی گنبدخانه همه مدارس بوده است. شناخت دیگر جنبه‌های کارکردی مدارس به‌سبب عدم اشاره مورخان و ناموجود بودن شواهد کالبدی در پرده ابهام قرار دارد. دربارهٔ کارکرد آموزشی مدارس، در ارتباط با علوم دینی یا غیردینی، به‌یقین نمی‌توان اظهارنظر کرد؛ مگر در انطباقشان با مدارس هم‌روزگار مناطق دیگر، به‌ویژه مدارس شیعیان، که در آن‌ها علوم و سنت‌های دینی تعلیم می‌شد. دربارهٔ ویژگی معماری مدرسه‌ها، همین اندازه روشن است که نیمی از مدرسه‌ها سردر دومناره‌ای داشتند که به‌انضمام گنبد مرتفع، در چشم‌انداز شهر چشمگیر بودند. همچنین ترکیب و طرح‌ریزی و ارتباط اجزای تشکیل‌دهنده مدارس، به‌روشنی معلوم نیست و صرفاً می‌توان براساس گزارش‌های تاریخی و شواهد موجود حدس‌هایی زد.

مورخان در بازگویی رویدادهای روزگار کاکویان و اتابکان به مدارس «شهر» یزد و بناهایی که حاکمان و نزدیکانشان ساختند، اشاره کرده‌اند. بنابراین با استناد به این منابع نمی‌توان به مدارس سایر شهرها و روستاهای خطه یزد پرداخت. آثار معماری کاکویان و اتابکان از قبیل مسجد و قلعه و آرامگاه در شهرها و آبادی‌های کهن یزد مانند ناین، عقدا، مبیید، مهریجر، و ابرکوه شناسایی شده است. احتمال احداث مدرسه در این شهرها و در این برهه دور از ذهن نیست. از وجود مدارس پیش از سده پنجم هجری آگاهی وجود ندارد؛ اما از سده هفتم هجری به بعد، مدارس و خانقاه‌هایی

به جا مانده‌اند که با پیروی از سنت ساخت مدارس روزگار کاکوییان و اتابکان طرح‌اندازی می‌شدند. همچنین این فرض که خانقاه‌ها در دنباله مدارس و با الهام از معماری و کارکرد این گونه بنا پا گرفته باشند، قابل تحقیق است.

پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ‌نامه‌های محلی، گونه‌ای تاریخ‌نامه در کنار تاریخ‌های سلسله‌ای، عمومی و غیر آن است که بازتاب‌دهنده اوضاع و هویت ایالت، شهر یا ناحیه‌ای خاص است. کتاب‌هایی مانند تاریخ قم، تاریخ بخارا، فارس‌نامه و جز آن، از این دست تاریخ‌نامه‌ها به شمار می‌روند. از نخستین تاریخ‌نامه‌های منطقه یزد، تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد را می‌توان نام برد که در سده نهم هجری نوشته شده و در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است.
۲. حک: حکومت
۳. نک: توضیحات ایرج افشار در مقدمه تاریخ جدید یزد.
۴. بازار دلالان در سده یازدهم به «پای دوخمره» مشهور شده بود: «[...] در میان بازار دلالان که الحال به پای دوخمره مشهور گشته [...]» (باقی ۱۳۸۵، ج. ۱ و ۲: ۸۶-۸۵).
۵. بازار دورویه یعنی چه؟ آیا این بازار علاوه بر گذر یا راسته‌ای که دو طرف آن را مغازه‌ها به ردیف قرار داشتند، مغازه‌هایی در پشت مغازه‌های گفته‌شده داشته که به بیرون باز می‌شدند؟ یا بازار دورویه گونه‌ای بازار است و تعریف دیگری دارد؟
۶. برای تفصیل، نک: فصل تاریخ‌گذاری پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مجتبی مهرعلی کردیچه با عنوان «مدرسه ضیائیة یزد» (۱۳۹۵) به‌راهنمایی هادی ندیمی و ذات‌الله نیک‌زاد در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
۷. برای تفصیل، نک: کسائی ۱۳۶۳، ۶۹، ۱۰۶-۸۲، ۲۱۸-۱۰۷، ۲۵۲-۲۱۹ و ۲۴۹.
۸. اگر مدارس دیگر وقفیاتی داشتند، از آن‌ها آگاهی وجود ندارد.
۹. مانند ابویعقوب که قنات یعقوبی را جاری کرد و ده یعقوبی را ساخت. ایر و مبارکه دو کنیز ارسلان‌خاتون بودند که قناتی را به نام خودشان جاری ساختند.

منابع

- ابن حوقل، ۱۳۶۶. صورة الأرض (ایران در صورة الأرض). برگردان و توضیح جعفر شعار. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن. ۱۳۶۶. تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال. به اهتمام محمد رضائی. ج ۲. تهران: پدیده (خاور).
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۴۰. مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افضلی، حمید. ۱۳۹۱. اتابکان یزد. تهران: پیام عدالت.
- افشار، ایرج. ۱۳۵۲. یادگارهای یزد؛ معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- اقبال، عباس. ۱۳۳۸. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی؛ از تاریخ تشکیل این سلسله تا مرگ سلطان سنجر (۴۳۳-۵۵۲). به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکاء. تهران: دانشگاه تهران.
- آل داوود، سیدعلی. ۱۳۹۹. اتابکان یزد. در تارنمای مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. <https://cge.org.ir/fa/article/225176/> (دسترسی در ۳ مرداد ۱۴۰۲).
- امامی میبدی، داوود. ۱۴۰۱. بررسی مدارس دوره آل مظفر و تیموری یزد به استناد متون تاریخی. مطالعات باستان‌شناسی پارسه ۲۱ (۶): ۲۴۲-۲۱۷.
- آیتی، عبدالحسین. ۱۳۱۷. تاریخ یزد (آتشکده یزدان). ج ۱. یزد: چاپخانه گلپهار.
- بلر، شیلا. ۱۳۹۴. نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین. ترجمه مهدی گلچین‌عارفی. تهران: فرهنگستان هنر.
- پوپ، آرتر، و فیلیس آکرمن. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران. به سرپرستی سیروس پرهام. ج ۴ و ۸. تهران: علمی و فرهنگی.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. ۱۳۴۳. تاریخ یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.

- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. ۱۳۶۸. *اشکال العالم*. برگردان علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
- حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۷۶. یادگاری از گذشته مدرسه امام خمینی یزد. مجله صفه ۷ (۱): ۱۳۲-۱۴۱.
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین. ۱۳۴۱. *جامع الخیرات*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- خادم‌زاده، محمدحسن، مجید علمی، و الهه الوندیان. ۱۳۸۷. *معماری دوره آل مظفر (ایلخانی و تیموری) با نگاهی به بناهای عصر اتابکان*. تهران: هم‌پا و سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- دانش‌یزدی، فاطمه. ۱۳۹۲. مدارس و کتابخانه‌های ساخته‌شده در یزد در سده هشتم هجری. وبگاه *غول‌آباد دانش‌نامه* یزد. <http://ghoolabad.com/index1.asp?id=9> (دسترسی در ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲).
- دانشدوست، یعقوب. ۱۳۷۶. *طیس شهری که بود؛ بناهای تاریخی طیس*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور و سروش.
- سجادی، سید صادق. ۱۴۰۱. *فرمانروایی خاندان بویه*. تهران: دکتر محمود افشار با همکاری سخن.
- سجادی، سید صادق، و سیدعلی آل‌داوود. ۱۳۹۹. آل کاکویه. در *تارنمای مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. <https://cgie.org.ir/fa/article/222410/> - کاکویه (دسترسی ۳ مرداد ۱۴۰۲)
- شهابی‌نژاد، علی. ۱۴۰۰. الف. بازنمایی سیر تحولات میدان وقت‌وساعت یزد از ابتدا تا انتهای دوره پهلوی. *نشریه باغ نظر* ۱۸ (۱۰۴): ۶۹-۸۰.
- شهابی‌نژاد، علی. ۱۴۰۰. ب. بازخوانی پیشینه تاریخی میدان وقت‌وساعت یزد با تأکید بر دوره صفوی و پیش از آن. *مجله مطالعات معماری ایران* ۱۰ (۱۹): ۴۷-۶۴.
- عینی‌فر، علیرضا، و محمدحسن خادم‌زاده. ۱۳۹۰. باشناسی معماری دوره اتابکان یزد از متون تاریخی، نمونه موردی مجموعه دولتخانه اتابک قطب‌الدین. *دوفصلنامه نامه معماری و شهرسازی* ۳ (۶): ۱۲۳-۱۳۷.
- قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل. ۱۳۵۸. *نقض معروف به بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*. تصحیح میرجلال‌الدین محدث. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. بی‌تا. *منابع اولیه معماری ایران: انواع و استعداد آنها برای تحقیق تاریخ معماری*. تهران: سمت (در دست انتشار).
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. ۲۵۳۷. *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- کاظمی، سید محمد. ۱۳۹۰. باشناسی پیوند مدرسه علمیه و مصلا در معماری مدرسه مصلا یزد. *مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۱ (۴): ۸۹-۹۹.
- کسائی، نورالله. ۱۳۶۳. *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. تهران: امیرکبیر.
- کریمان، حسین. ۱۳۴۵. *ری باستان*. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- گدار، آندره. ۱۳۸۴. *آثار ایران*. برگردان ابوالحسن سروقد مقدم. ج ۴. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مافروخی، مفضل بن سعد. ۱۳۸۵. *ترجمه محاسن اصفهان*. ترجمه حسین بن محمد آوی. به کوشش عباس اقبال آشتیانی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- مدرس طباطبایی، سید حسین. ۱۳۵۰. *مدرسه غیاثیه قم*. نشریه وحید ۹ (۳): ۲۸۳-۲۸۷.
- مستوفی بافقی، محمدمقید. ۱۳۴۲. *جامع مفیدی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۷. *معماری ایرانی*. تقریر محمدکریم پیرنیا. تهران: سروش دانش.
- مهرعلی، مجتبی، و ذات‌الله نیک‌زاد. ۱۳۹۶. *جست‌وجویی در چیستی بنای مدرسه ضیائیه یا زندان اسکندر یزد*. *مجله اثر* ۳۸ (۷۸): ۹۹-۱۱۲.
- میرزایی، مسعود، و نیکی میرزایی. ۱۴۰۱. تجسمی از مدرسه رکنیه یزد در قرون هشتم تا نهم هجری. *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد* ۴ (۱۷): ۲۹۱-۳۰۵.
- نخبوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی. ۱۳۵۷. *تجارب السلف (در تواریخ خلفا و وزرای ایشان)*. به تصحیح و اهتمام

عباس اقبال. تهران: طهوری.

- نیک‌زاد، ذات‌الله. ۱۴۰۱. رکنیه، مدرسه. در تارنمای مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. <https://cgie.org.ir/fa/article/268307> (دسترسی ۳ مرداد ۱۴۰۲).
- ویلبر، دونالد. ۱۳۶۵. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار. تهران: علمی و فرهنگی.
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۸۰. معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: روزنه.
- Bosworth, C. Edmund. 2010. Kākuyids. *Encyclopædia Iranica*. Vol. XV, Fasc. 4, pp. 359-362; an updated version is available online at <https://iranicaonline.org/articles/kuyids-dynasty> (accessed on December 15, 2010).
- Blair, S., and J. Bloom. 1994. *The Art and Architecture of Islam*. New Haven and London: Yale University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲